

دیدگاه

تقسیم قدرت برادرانه از نوع مصری



اردشیر زارعی قنواتی

■ دعوی مصر به نظر می‌رسد که فعلا ختم به خیر شده است چراکه ظاهر معامله شورای نظامی و اخوان المسلمین برای تقسیم سهام قدرت در این کشور جوش خورده است. با اعلام «فاروق سلطان» رئیس کمیسیون انتخابات مصر «محمد مرسی» با کسب ۵۱/۱۲۳ درصد در مقابل «احمد شفیق» با کسب ۴۸/۲۷ درصد آراء پیروز انتخابات ریاست‌جمهوری بوده و این کشور برای اولین بار در تاریخ خود تحت هدایت یک مسیر طبیعی خود را گذرانده و با برگزاری یک انتخابات آزاد براساس اصول دموکراسی گزینهای که موفق به کسب اکثریت آرای مردم شده به قدرت می‌رسد.بلافاصله سبیل تبریک رهبران جهان و حتی شورای نظامی که در هفته‌های اخیر همگان می‌پنداشتند، جنگ اخوانی‌ها با این شورا به ریاست «حسین طنطاوی» جنگ انقلاب و ضدانقلاب در تحولات مصر است، به سمت مرسی روانه شد.رییس جمهوری منتخب نیز که قبل از اعلان پیروزی و احتمال تغییر در نتایج انتخاباتی، شورای نظامی را به یک تقلیل آشکار دعوت می‌کرد و همواره از آنان به عنوان قاتلان انقلاب نام می‌برد، در یک تغییر موضع عیان با تمجید از این شورا و تصمیمات آنان پیام برادرانه خود را نشار طرف مقابل کرد. رییس جمهوری منتخب مصر از ارتش و نیروهای مسلح این کشور قدرانی کرده و آنها را «بهترین حامیان وطن» توصیف کرد و وعده داد که از نهاد ارتش و نیروهای مسلح پاسداری کند. از طرف دیگر احمد شفیق، کاندیدای شکست خورده این انتخابات هم که قبل از اعلان نتایج، خود را پیروز این دول مل معرفی کرده بود ضمن تأیید نتایج، برای رقیب خود تلگراف تبریک ارسال کرده است. پایان کشمکش بر سر نتایج انتخابات مصر بالاخره تمام شد و این تصور کلاب که دوقطبی شدن جامعه مصری حول شفیق و مرسی می‌چرخد، رنگ باخت و در آینده مشخص می‌شود که دوقطبی واقعی بین سهامداران قدرت و دموکراسی‌خواهان میدان تحریر است که در معامله انجام گرفته، بازندگان واقعی قضیه هستند.هم‌اکنون برای آینده مصر می‌توان دو سناریو را پیش‌بینی کرد که طی هر کدام از آنان مولفه‌های مبارزه و سیر تکاملی تحولات این کشور ابعاد متفاوتی خواهد داشت.

۱- سناریوی دوقطبی نهاد قدرت: جامعه مصر بعد از سرنگونی «حسنی مبارک» رییس جمهوری مامدم‌العمر این کشور مشتق از یک اکثریت مخالف وضع موجود و یک اقلیت حامی وضع موجود بوده است. سیر تحولات و رخدادهای این کشور در طول یک سال و نیم اخیر بارها در این میدان جای بازیگران عرصه تنازع را به فراخور شرایط پیش آمده، عوض کرده و یک حالت ژلانتینی را بر جامعه تحمیل کرد. عملکرد شورای نظامی که ظاهرا به صورت موقت اداره امور مصر را به دست گرفته بود براساس تحولات جاری به صورت یک قدرت مطلقه هزمزان نقش اجرایی، قانون‌گذاری و قضایی را در سیستم تصمیم‌گیری به خود گرفت. آنان که قرار بود در یک دوران بسیار کوتاه گذار نقش کاتالیزور را بازی کنند، خود در متن حوادث جای گرفته و به تحکیم موقعیت و هوژنوسی خویش پرداختند که موجب اعتراض جامعه مصری در تمامی سطوح اجتماعی و سیاسی شد. شورای نظامی با ادامه دادگاه‌های نظامی طبق شرایط فوق‌العاده، برگزاری انتخابات پارلمانی سپس انحلال همان پارلمان، تعیین صلاحیت کاندیدای ریاست‌جمهوری، تحمیل شرایط خویش برای تعیین شورای تدوین قانون اساسی در آینده، گسترش اختیارات خود با صدور دستورالعمل در خصوص جایگاه نهاد نظامی در آخرین ساعات رای‌گیری دور دوم و مهم‌تر از همه مذاکرات پنهانی با اخوان در بحبوحه اختلافات در مورد پیروز انتخابات ریاست‌جمهوری، نشان دادند که می‌خواهند همچنان نیروی قدر قدرت «نهاد قدرت» در مصر جدید باشند. با اعلان پیروزی مرسی به عنوان رییس‌جمهوری منتخب به نظر می‌رسد که چیدمان نظامیان در حیطه قدرت با سهمیم کردن اخوانی‌ها تا اینجا با موفقیت انجام گرفته است. چرخش اخوان‌المسلمین بعد از طی این مراحل و تمجید خاص مرسی از شورای نظامی نیز گویای این واقعیت است که دو طرف به تقسیم قدرت رضایت داده‌اند شاید در آینده تضاد منافع این دو نیرو هر چند یکبار جالش‌هایی را از خود بروز دهد اما بدون شک هر دو طرف در چارچوب بازی تعیین شده ایفای نقش خواهند کرد.

۲- سناریوی دو قطبی نهاد اجتماعی: در مصر نوین تابلوهایی شکسته است و بازگشت به گذشته با توجه به جنبش سیاسی – اجتماعی خواهان تغییرات ساختاری اگر به غیرممکن ولی به یقین آسان نخواهد بود. موضوع استبداد دموکراسی، فرقه‌گرایی و پلورالیسم، اسلامگرایی و سکولاریسم و مهم‌تر از همه تقابل اقتصاد رانتی کنونی و ضرورت اجرای عدالت اجتماعی در این حیطه همچنان ادامه خواهد داشت. در این وضعیت بورژوازی، کمپرادور نظامی و بازار سنتی اخوانی در یک تقابل آشکار با مطالبات اکثریت مردم فقیر جامعه مصر قرار خواهند گرفت. همپوشانی منافع این دو نیروی حاکم در صورت عدم توجه به مطالبات معوق مانده مردم فردست و طبقه متوسط با یک «انش» اجتماعی روبه‌رو می‌شود که می‌تواند حوادث جدیدی را در مصر به وجود آورد. این کشور با توجه به موازنه نیرویی که در نهاد قدرت بین نظامیان و اخوانی‌ها انجام گرفته‌است همچنین توازن قدرتی که در نهاد اجتماعی بین طبقات حاکمه و دیگر بخش‌های محروم از قدرت جامعه ایجاد شده است در آینده نیز آسشتن وقایع و حوادث تازه خواهد بود و این پایان داستان سرزمین نیل نیست.

نامش «محمدمحمدمرسی عیسی‌العیاط» است، هرچند او را تا مدت‌ها به عنوان «محمد مرسی» می‌شناختند اما اکنون او به صفت‌های دیگری چون اولین رییس‌جمهور منتخب، اولین رییس‌جمهور غیرنظامی، اولین رییس‌جمهور اسلامگرا و اولین رییس‌جمهور جمهوری دوم مصر می‌شناسند. برای کسانی که از دور و با نگاهی سطحی و بدون در نظر داشتن تنوع و پیچیدگی جریان‌های سیاسی مصر و صرفا با توجه به عنوان اسلامگرای محمد مرسی، با هراس یا شادمانی، آینده مصر را دنبال می‌کنند، شاید بسیاری از ویژگی‌های محمد مرسی همچون دکترای مهندسی متالورژی، ریاست سابق حزب عدالت و آزادی (تا پیش از پیروزی در انتخابات اخیر) و عضو سابق مکتب ارشاد اخوان‌المسلمین پوشیده باشد. سیاستمداری که با آموزه‌های اسلامی از یک سو و چارچوب‌های دموکراسی بیگانه نباشد و زندگی او نشان می‌دهد اسلامگرایی او با اسلامگرایی گروه‌هایی چون جماعت اسلامی مصر و دموکراسی‌خواهی‌اش با لیبرال‌مآبی‌های‌مرسوم گروه‌های نزدیک به حاکمیت سابق، تفاوت آشکار دارد.

محمد مرسی در ۲۰ آگوست ۱۹۵۱ در روستای العدوه (مرکز هجیا در استان الشریقیه) در خانواده‌ای فقیر از پدری کشاورز و مادری بی‌سواد و خانه‌دار به دنیا آمد. محمد پسر بزرگ خانواده بود و دو خواهر و سه برادر داشت. او دوران ابتدایی و متوسطه را در زادبوم خود سپری کرد و برای تحصیل در رشته مهندسی فلزات (متالورژی) به دانشگاه قاهره رفت تا در سال ۱۹۷۵ با درجه ممتاز از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شود. مرسی در سال ۱۹۷۵ وارد ارتش و در تیپ دوم پیاده، واحد جنگ‌های شیمیایی مشغول به خدمت شد. مرسی یک سال پس از پایان خدمت با نجلا محمود ازدواج کرد (۳۰ نوامبر ۱۹۷۸) که حاصل این ازدواج پنج فرزند به نام‌های احمد، شیماء، اسامه، عمر و عبدالله است. نجلا محمود در طول تبلیغات انتخاباتی، محمد مرسی را همراهی می‌کرد. وی دختری با مرسی و متولد سال ۱۹۶۲ در قاهره است. نجلا محمود در زمان تحصیلات مرسی در آمریکا، به گروه اخوان‌المسلمین پیوست و پس از بازگشت به مصر به‌عنوان یک عضو فعال در کارهای خیریه و آموزش این گروه به فعالیت پرداخت. خانواده مرسی در مصاحبه‌های مختلف تأکید کرده‌اند که تمایلی به انتقال به کاخ ریاست‌جمهوری ندارند و خانه استیجاری خود در فاز پنجم شهرک «التجمع» را ترجیح می‌دهند.هرچند تاکنون در این باره با محمد مرسی صحبت نکرده‌اند. زندگی کنونی خانواده مرسی در رفت و آمد میان قاهره و زقازیق است و نزدیکان این خانواده هم تأکید می‌کنند که تغییر با هیچان چندانی در آنها حس نکرده‌اند. آن‌گونه که خبرنگاران مختلف با از زبانی واکنش این خانواده متوجه شده‌اند، اعضای خانواده مرسی ترجیح می‌دهند به دور از تشهریافت با حفاظت‌های خاص نیروهای امنیتی به زندگی خود ادامه دهند تا رابطه عادی خود را با مردم حفظ کنند. «نجلا محمود» همسر مرسی چندان علاقه‌ای به لقب بانوی اول ندارد و گفته است که دوست دارد به دور از سیاست باشد، هرچند مثل گذشته فعالیت‌های خیریه و اجتماعی خود را به دور از چشم رسانه‌ها انجام خواهد داد. خلم مرسی با لباس‌هایی به شدت ساده و ارزان‌قیمت می‌دهد به دور از تمسخر او نیز می‌شود، در انظار ظاهر می‌شود؛ ظاهری که برای مردم مصر که به لباس‌های گرانبقیم و دوخت پاریس «سوزان شهر را ندارد» «عمر» چهارمین فرزند محمد دانشجوی سال آخر رشته بازرگانی است و در فعالیت‌های انتخاباتی پدرش نقش فعالی داشت. «عبدالله» پنجمین

فرزند مرسی، دوران دبیرستان را سپری می‌کند و پرشوروتر از سایر فرزندان محمد مرسی است. عبدالله رابطه نزدیکی هم با مردم و مطبوعات دارد، چنان‌که بعد از اعلام نتایج انتخابات در صفحه فیس‌بوک خود نامه‌ای به پدرش نوشت که انعکاس گسترده‌ای در مطبوعات مصر داشت. او در این نامه خطاب به پدرش نوشت: برای گام نهادن در راه خدا تو را همراهی کردم و بر همین اساس، اگر برخلاف انقلاب گام‌برداری علیه تو بر می‌خیزیم و اگر حق شهدای انقلاب را نگیری و راه آنها را ادامه ندهی از فرمانت سرپیچی می‌کنیم. خانواده مرسی هیچ‌گاه از آسیب فعالیت‌های سیاسی او برکنار نبوده‌اند، چنانکه در انقلاب اخیر نیز ترکش‌های این فعالیت‌ها به آنها هم رسید. چهارشنبه دوم فوریه ۲۰۱۲ عبدالله به همراه ۷۰ نفر از هم‌کلاسی‌هایش مورد حمله ۳۰۰ نفر از اراذل و اوباش وابسته به حکومت قرار گرفت و پس از آن توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. کمی بعد پلیس آزادی او را به اخذ وثیقه مالی منوط کرد و وقتی اسامه برادر بزرگ‌تر برای پرداخت وثیقه به پاسگاه پلیس زقازیق رفت او را به درختی بستند و پس از غارت اموال و بره‌های هویت، لباس‌های او را پاره کرده و استخوان‌های دست و کتف او را شکستند. اسامه ۲۵ ساعت در این وضعیت به‌سر برد و در همان روز عمر، دیگر فرزند مرسی نیز در جریان یک راهپیمایی مورد ضرب و شتم پلیس قرار می‌گیرد و آن‌گونه که محمد مرسی در مصاحبه‌ای گفته است: به دلیل ضربه باتوم به سرش دو هفته در خانه بستری می‌شود.

پایان خدمت محمد مرسی در ارتش با قبولی او در مقطع کارشناسی ارشد مهندسی متالورژی دانشگاه قاهره هم‌زمان شد و از همین جا بود که موفق به اخذ بورس‌یه تحصیلی مقطع دکترا در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی در رشته مهندسی تعمیر و

جهان



همسر مرسی (وسط) در کنار دخترش شیفا (راست)

مرور خانواده و پیشینه رییس جمهوری تازه مصر

طرحی از یک زندگی

سعید آقاعلیخانی

وی برای رویارویی انقلاب با نظام سابق، او را با لقب «لاستیک زاپاس» مورد شتمات قرار می‌دادند. قطب دوم این کارزار هم احمد شفیق بود که به‌زعم مخالفان انقلابی‌اش ریشه در جریان محافظه‌کاری وابسته به نظام پیشین مصر داشت و در محافل انقلابی نماد چکمه نظامیان تمامیت‌خواه معرفی می‌شد. در چنین وضعیتی صدور احکام دادگاه قانون اساسی دو روز مانده به برگزاری دور دوم انتخابات، فضای سیاسی مصر را ملتهب و فضای دو قطبی انتخابات را تشدید کرد. دادگاه قانون اساسی مصر ضمن باطل‌دانستن آرای یک‌سوم از نمایندگان مجلس اصلی مصر موسوم به مجلس مردم، رای به انحال این مجلس داد. این در حالی بود که کمتر از شش‌ماه از تشکیل این مجلس می‌گذشت. از سوی دیگر دادگاه قانون اساسی در حکمی دیگر، صلاحیت احمد شفیق برای شرکت در انتخابات را تأیید کرد. این حکم دادگاه قانون اساسی مصر، مصوبه اخیر مجلس مردم مصر را که به قانون «حزومیت سیاسی» موسوم است، نقض می‌کرد. به موجب این مصوبه، وابستگی به رژیم گذشته مصر حق تصدی هیچ منصبی را نداشتند. در چنین شرایطی دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری مصر روزهای ۲۷ و ۲۸ خرداد، برگزار شد. البته فقط چندساعت پس از پایان رای‌گیری در دور

دوم، شورای‌عالی نظامی مصر که اداره این کشور را از زمان سقوط مبارک برعهده داشته، با صدور بیانیه‌ای در اقدامی بحث‌برانگیز اعلامیه‌ای را منتشر کرد که در آن اختیارات بیشتری برای خود در حوزه قانونگذاری، تعیین بودجه و نیز فرماندهی نیروهای مسلح در نظر گرفت. وقوع تحولات متوالی از انحلال مجلس گرفته تا اعلامیه شورای نظامی انقلابیون را در مصر به این نتیجه رساند که طرح‌هایی در کار است تا با مانع‌تراشی در برابر فرآیند دموکراسی‌سازی در این کشور، شرایط را به قبیل برگردانند. برخی حتی این وقایع را کودتای ارتش علیه دموکراسی نوپای مصر خواندند. نگرانی‌ها در این زمینه باعث شد تا در روزهای اخیر هزاران نفر از انقلابیون را در میدان تحریر قاهره گرد هم آورد تا نسبت به شرایط موجود در مصر اعتراض کنند.

پس از آنکه هر دو نامزد انتخابات خود را پیروز اعلام کردند، کمیسیون انتخابات اعلام نتایج را به تعویق انداخت و اعلام کرد که به دلیل بالابودن شکایات دو رقیب علیه یکدیگر رسیدگی به این موضوع نیازمند زمان لازم است. با این حال سرانجام با معرفی محمد مرسی به عنوان رییس‌جمهوری جدید، پرونده انتخابات بحث‌برانگیز ریاست‌جمهوری این کشور بسته شد. تردیدی نیست که محمد مرسی به‌عنوان رییس‌جمهوری جدید راه دشواری را در فضای تاریک و مبهم سیاسی مصر خواهد داشت. شورای‌عالی نظامی مصر گرچه اعلام کرده که تا چند روز دیگر قدرت را به رییس‌جمهوری منتخب واگذار خواهد کرد، اما با توجه به اینکه هنوز قانون اساسی جدید تصویب نشده، حدود وظایف و اختیارات رییس‌جمهوری نیز چندان روشن نیست. در چنین فضای، نبود پارلمان با توجه به انحلال آن و نیز بیابانه‌خیر شورای نظامی که اختیارات بسیاری را برای خود در نظر گرفته، ایسن نگرانی را ایجاد کرده که رییس‌جمهوری برای اداره کشور با موانع بسیاری روبه‌رو باشد.

از سوی دیگر احمد شفیق گرچه نتوانست در انتخابات پیروز شود، اما احتمالاً جریان اپوزیسیون قدرتمندی را در برابر دولت نوپای مرسی که سکندار مصر و اوضاع اقتصادی درهم ریخته آن است، تشکیل خواهد داد. آنچه محمد مرسی در فضای کنونی روی آن حساب کرده، حمایت گسترده افراد و جریان‌های انقلابی از وی است. در صورتی که این حمایت‌ها ادامه پیدا کند و محمد مرسی بتواند توازن لازم میان آرمان‌های اسلام‌گرایانه و مطالبات دموکراسی‌خواهانه اقشار مختلف مصر را در چارچوبی متوازن و منطقی گرد هم آورد، وی می‌تواند در تلاش برای به کرسی نشاندن برنامه‌ها و سیاست‌های خود در قالب «پروژه اخوانی نهضت مصر» که پیش‌تر قول آن را داده بود، به موفقیت خود در ایجاد ثبات و امنیت در جمهوری دوم مصر امیدوار باشد.

نیم‌نگاه

«اخوان» دبروز، «اخوان» امروز

آرمان محمودیان

اخوان از همان آغاز تاسیس‌اش فرارتر از یک نهضت سیاسی بود، اخوان از بدو پیدایش خود به عنوان یک موسسه اقتصادی، فرهنگی و حتی یک ارتش مردمی عمل کرد. اخوان اولین ضربه بر خود را در سال ۱۹۴۹ به‌دنبال ترور البنا – که به رژیم الفاروق و وابستگان انگلیس نسبت داده شد – به چشم دید. از آن پس اخوان فقط یک هدف داشت، سرنگونی ملک فاروق و زدودن سایه استعمار انگلیس بر مصر. امال این نهضت شده بود. در راستای این هدف اخوان به رهبری حسن الهفصی دست مدد خود را به سوی افسران ارتش آزاد دراز کرد، افسرانی که بعدها تبدیل به جدی‌ترین رقیب اخوان شدند. در ژوئن ۱۹۵۲ افسران ارتش آزاد به رهبری جمال عبدالناصر علیه ملک فاروق دست به کودتا زدند، کودتایی که باعث سرنگونی رژیم شد. طایفه اختلاف ناصر با اخوان پس از انعقاد قرارداد بین ناصر و انگلیسی‌ها برای خروج ارتش انگلیس از کنال سوئز ظاهر شد. اخوان که از این قرارداد و آنچه خود نرمش‌بی‌پایه‌ان می‌دانست ناراضی بود، دست به ایجاد گروه‌های شبه‌نظامی جهت حمله به ارتش انگلیس زد، گروه‌هایی که توسط پلیس ناصر سرکوب شدند.

اخوان که برای خود سهمی پنداشته بود تن به این محدودیت‌ها نداد و در سال ۱۹۵۴ دست به یک سوء‌قصد ناکام علیه ناصر زد.

پس از این ترور نافرجام، حکومت ناصر، اخوان و سرانش را آماج حملات خود قرار داد. اندک مدتی نگذشت که عبدالقادر عوده و محمد فرغلی از سران اخوان دستگیر و افراد دیگری همچون سیدقطب و صالح عشمایو که از شخصیت‌های کلیدی اخوان بودند، اعدام شدند. پس از مرگ ناصر، سادات که رییس‌جمهور جدید منتخب ارتش بود برای مقابله با هرگونه توطئه کودتا اقدام به بخشیدن یک آزادی تاکتیکی برای اخوان کرد. پس از اردوکنشی اخوان، سادات که از حمایت خارجی‌ها برخوردار بود با خیال راحت به طور گسترده‌ای رهبران و اشخاص کلیدی اخوان را دستگیر و تمام نهادهای مرکزی اخوان را منحل کرد. با ترور سادات و روی کار آمدن مبارک، رییس جدید نسبت به اخوان سیاست تحمل نسبی و سرکوب‌گزینشی را برگزید.

اخوان نیز ازاین سیاست مصالحه‌جویی نسبی مبارک، قدرشناسی نسبی به‌جا آورد و به همین دلیل در انقلاب فوریه ۲۰۱۱ اخوان سیاستی دو پهلو برگزید و تا آنجا که سقوط مبارک را قطعی ندانست برای بسج رسمی نیروهای خود اقدامی نکرد.



با هزار تومان خیلی کارهای مهمی میشه کرد!

سال پیش از شما پرسیدیم که با هزار تومان چی کار می‌شه کرد و از شما دعوت کردیم که با مشارکت در طرح عضویت همگ با پرداخت ماهانه حداقل هزار تومان به بزرگترین خانواده‌های کودکان مبتلا به سرطان بیپوشنید.
امسال می‌خواهیم بگوییم که با هزار تومان‌های شما در همگ چه کار می‌کنیم؛ ما با تکیه بر کمک‌های شما از سال ۱۳۷۰ تاکنون موفق به حمایت همه جانبه بیش از ۱۷۰۰۰ کودک مبتلا به سرطان در سراسر ایران شدائیم و در سال ۸۶ تنها بیمارستان فوق تخصصی سرطان کودکان در خاورمیانه را پت نهاده و بهره‌برداری کرده‌ایم. فقط در این بیمارستان تا امروز بالغ بر ۳۵۰۰ کودک از سراسر ایران، رایگان درمان شده‌اند.

اگر شما هم مایل فقط هزار تومان به همگ کمک کنید، می‌تونین ضمن پیوستن به بزرگترین خانواده حامیان کودکان مبتلا به سرطان در یکی از پر ارزش‌ترین حرکت‌های دنیا برای دیات جان هزاران کودک مشارکت کنید.
برای پیوستن به خانواده بزرگ همگ با شماره ۰۲۱-۳۳۵۴۰۴ تماس بگیرید.



مک

مؤسسه خیریه ماهک

mahak-charity.org

برای بازدید از این مجموعه که حاصل عشق شماست، با شماره تلفن ۰۲۱-۳۳۵۰۱۲۱ تماس حاصل فرمایید.

از اینکه به پیام ما توجه کردید، سپاسگزاریم.